

# اصول دستور زبان

بر اساس کتاب Understanding Syntax اثر Maggie Tallerman

بخش زبان‌های خارجی و زبان‌شناسی دانشگاه شیراز

مدرس: منوچهر کوهستانی

# برخی مفاهیم و سوء برداشت‌ها (1)

- ▶ دو تعریف از نحو:
- ▶ چگونگی قرارگیری واژه‌ها برای تولید گروه‌ها (phrases) و جمله‌ها (sentences)
- ▶ مطالعه ویژگی‌های نحوی زبان‌ها
- ▶ تفاوت دستور و نحو: بر خلاف نحو که تنها به قرارگیری واژه‌ها در کنار هم می‌پردازد، دستور شامل همه اصول سازمان‌دهی زبان است.
- ▶ آنچه در این دوره بررسی خواهد شد:
- ▶ طبقه‌بندی (classification) واژه‌ها
- ▶ آرایش (order) واژه‌ها در گروه‌ها و جمله‌ها
- ▶ ساخت گروه‌ها و جمله‌ها
- ▶ ساختارهای مورد استفاده در زبان‌ها

## برخی مفاهیم و سوء برداشتها (2)

▶ هدف از دوره جاری:

▶ آشنایی با چگونگی کارکرد نحو

▶ آشنایی با مفاهیم و ترمهای فنی مورد نیاز برای آگاهی از چگونگی کارکرد نحو

▶ آنچه این دوره به آن نمی‌پردازد:

▶ کتاب اصلی این دوره، کتاب ارائه دستور توصیفی (descriptive grammar) از انگلیسی یا زبان دیگری نیست. هدف از دستورهای توصیفی معرفی قاعده‌مندی‌ها و ویژگی‌های زبان مورد مطالعه آنهاست.

▶ هدف از دوره جاری بهبود دانش شما از دستور زبان انگلیسی یا زبان دیگری نیست. به عبارت دیگر، این دوره مطالعه دستور تجویزی (prescriptive grammar) زبانی خاص هم نخواهد بود.



# تکوین دستور زبان در سال‌های آغازین

- ▶ انسان‌ها به طور عادی تا هفت‌سالگی تسلطی کامل بر دستور زبان خود پیدا می‌کنند و یادگیری زبانی پس از آن، عمدتاً به گسترش دایرهٔ واژگان مربوط می‌شود.
- ▶ یادگیری دستور زبان نیازی به آموزش رسمی ندارد. هر کودکی می‌تواند دستوری ذهنی (mental grammar) از زبان مادری‌اش را شکل دهد.
- ▶ فرضیهٔ ذاتی بودن (innateness hypothesis): بسیاری از زبان‌شناسان بر این باورند که برای یادگیری زبان از پیش برنامه‌ریزی شده‌ایم (pre-programmed) و برای رسیدن به دستور ذهنی از زبان خود، تنها به درونداد (input) کافی و امکان مشارکت در میانکنش‌های اجتماعی (social interactions) نیاز داریم.

# دستور ذهنی در برابر آموزش رسمی دستور زبان

- ▶ آموزش دستور به کودکان (با رویکرد تجویزی) ناشی از این باور است که برخی صورتهای زبانی (linguistic forms) از برخی دیگر زیباتر، پرمنزلتتر، یا صحیحترند.
- ▶ این باور هیچ بنیاد زبان‌شناسانه‌ای ندارد. زیرا افراد غالباً داورهای اجتماعی خود دربارهٔ گروه‌های مختلف اجتماعی را به گونهٔ زبانی مورد استفادهٔ اعضای این گروه‌ها تعمیم می‌دهند.

# برخی استدلال‌های تجویزگرایان و ردّ آنها

▶ منفی‌سازی دوگانه (double negation):

I didn't do nothing wrong.

رویکرد تجویزگرا: به دو دلیل باید از منفی‌سازی دوگانه حذر کرد:

▶ منفی‌سازی دوگانه با منطق سازگار نیست.

▶ منفی‌سازی دوگانه متعلق به گونه معیار (standard variety) زبان نیست.

▶ رد استدلال فوق:

▶ هیچ کس برداشتی مطابق منطق از منفی‌سازی دوگانه ندارد و حتی مخالفان آن نیز منظور گوینده جمله را به خوبی درک می‌کنند.

▶ در بسیاری از زبان‌ها، از جمله فرانسوی و فارسی، منفی‌سازی دوگانه در گونه معیار روی می‌دهد.

هیچ کار بدی نکردم.



# سلیقه دستوری تجویزگرایان در برابر دستور ذهنی سخنگویان

- ▶ بر خلاف موارد مبتنی بر سلیقه، جمله‌ها و ساخت‌های دستوری‌ای در زبان‌ها وجود دارند که همه سخنگویان زبان آنها را غیردستوری (ungrammatical) می‌دانند.
  - ▶ \*را او من می‌شناسم.
  - ▶ \*I do didn't wrong anything.
- ▶ مثال‌های بالا نه از دستور تجویزی، بلکه از دستورهای ذهنی همه سخنگویان زبان‌های مربوطه، تخطی می‌کنند.

# نتیجه‌گیری از توانایی همه افراد درباره دستوری بودن/نبودن ساخت‌ها

- ▶ با توجه به اینکه همه سخنگویان یک زبان خاص می‌توانند درباره دستوری بودن/نبودن جمله قضاوت کنند، باید نتیجه گرفت همه ما دستور ذهنی مشترکی داریم.
- ▶ بسیاری از قواعد زبانی که ناخودآگاه از آنها آگاهیم، در واقع همگانی‌اند.

- (6) a. They're eating eggs and chips.  
b. What are they eating \_\_\_?

- (7) \*What are they eating eggs and \_\_\_?

- (8) \*Beth maen nhw yn bwyta wyau a \_\_\_? (Welsh)  
what are they in eat eggs and  
\*'What are they eating eggs and \_\_\_?'



## الزام انجام مرحله به مرحله ارتقاء (انگلیسی)

- (9) a. Ali sent the letter to Hasan.  
b. Ali sent Hasan the letter.
- (11) Hasan was sent \_\_\_\_ the letter by Ali.
- (12) \*Hasan was sent the letter to \_\_\_\_ by Ali.

## الزام انجام مرحله به مرحله ارتقاء (اندونزیایی)

- (10) a. Ali meng-kirim surat itu kepada Hasan. (Indonesian)  
Ali send letter the to Hasan  
'Ali sent the letter to Hasan.'
- b. Ali meng-kirim-**kan** Hasan surat itu.  
Ali send Hasan letter the  
'Ali sent Hasan the letter.'
- (13) Hasan di-kirim-**kan** surat itu oleh Ali.  
Hasan was-sent letter the by Ali  
'Hasan was sent the letter by Ali.'
- (14) \*Hasan di-kirim surat itu (kepada) oleh Ali.  
Hasan was-sent letter the (to) by Ali  
\*‘Hasan was sent the letter to by Ali.’

# نتیجه‌گیری از مقایسهٔ مثال‌های دو زبان

▶ دو زبان بسیار متفاوت هم می‌توانند رفتارهای مشابهی بروز دهند.



## دگرگشت زبان (language change)

▶ هر زبانی در گذر زمان مشمول دگرگونی می‌شود.

▶ در زبان انگلیسی میانه، برای منفی‌سازی جمله‌های دارای فعل اصلی، نیازی به حمایت do وجود نداشت.

(15) a. I sey **nat** this by wyves that been wyse (Middle English)  
'I **do not** say this for wives that are wise.'

b. But Crist ... bat **nat** every wight he sholde go selle al that he hadde  
'But Christ **did not** bid every one to go (and) sell all that he had.'

▶ در انگلیسی میانه، امکان پرسشی‌سازی جمله با جابجا کردن فعل اصلی وجود داشت.

(16) a. Sey you no?

'Do you say no?'

b. Why hydestow (i.e. *hidest thou*) the keys ... ?

'Why do you hide the keys?'

## کاربرد مثال‌های زبان‌شناختی

- ▶ در تحلیل‌های زبان‌شناختی حتماً باید مثال‌هایی از زبان‌های گوناگون در نظر گرفته شوند زیرا در غیر این صورت، ممکن است بسیاری از ویژگی‌های یک زبان یا دو زبان مشابه امری بدیهی و همگانی فرض شوند. با مطالعهٔ زبان‌های مختلف، می‌توانیم به گسترهٔ ساختارهای زبانی و مشخصه‌هایشان پی ببریم و از گونه‌گونگی زبان‌های آگاه شویم.
- ▶ زبان‌شناسان به دنبال آگاهی از همگنی‌ها و همسانی‌های زبان‌ها نیز هستند زیرا زبان‌ها از جنبه‌های متفاوتی با هم مشابهند و تفاوت‌هایشان تصادفی نیست.

(23) der schöne Wasserfall (German)  
the pretty waterfall

(24) la cascada hermosa (Spanish)  
the waterfall beautiful  
'the beautiful waterfall'

# همگانی‌های زبانی

- ▶ با اینکه برخی از ساختارهای زبانی همگانی نیستند، همهٔ زبان‌ها از زیرمجموعه‌ای از ابزارهای بنیادین دستوری استفاده می‌کنند:
- ▶ همهٔ زبان‌ها طبقهٔ واژگانی اسم را از فعل متمایز می‌کنند.
- ▶ همهٔ زبان‌ها فهرستی از واژه‌ها دارند که واژگان (lexicon) نامیده می‌شود و نزد همهٔ سخنگویان آن زبان مشترک است و واژه‌هایی از چندین طبقه را شامل می‌شود.
- ▶ در همهٔ زبان‌ها، سخن‌گویان این امکان را دارند که آرایش گروه‌های نحوی را به اهداف متفاوتی (سؤال پرسیدن، تأکید گذاشتن بر قسمت‌های خاصی از جمله و ...) تغییر دهند.



## طرح‌بندی مثال‌های زبان‌شناختی

▶ مثال‌ها در سه خط ارائه می‌شوند:

▶ خط اول: زبان منبع مورد بررسی

▶ خط دوم: ذیل (gloss) یا ترجمه تحت‌اللفظی زبان منبع به انگلیسی

▶ خط سوم: ترجمه از زبان منبع به انگلیسی

(28) Sensei-ga gakusei ni tegami-o kaita. (Japanese)  
teacher student to letter wrote  
'The teacher wrote a letter to the student.'

## نحوهٔ پرداختن به مثالها

- ▶ برای بررسی مثالهای زبان‌شناختی، باید از خط پایین شروع کرد:
  - ▶ ابتدا ترجمه خوانده شود،
  - ▶ سپس ذیل بررسی شود،
  - ▶ و در پایان، متن ربان منبع بررسی شود.

↑ Je **ne** mange **jamais** de viande.  
I NEGATIVE eat never of meat  
'I never eat meat.'

## ذیل (1)

▶ هر قسمت معنادار در زبان منبع باید در ذیل مابه‌ازائی داشته باشد، خواه در زبان مقصد متناظری داشته باشد، خواه نداشته باشد.

(2) Je **ne** mange **jamais** de viande. (French)  
I NEGATIVE eat never of meat  
'I never eat meat.'

▶ بدون ذیل، امکان مقایسهٔ زبان‌ها وجود ندارد.



## ذیل (2)

- ▶ در ذیل هم اطلاعات واژگانی هست (که با حروف عادی نوشته می‌شوند) و هم اطلاعات دستوری (که با حرف بزرگ ولی با اندازه فونت کوچک نوشته می‌شوند).
- ▶ اطلاعات واژگانی: واژه‌هایی معمولی‌اند که ترجمه یا عبارت‌گردانی (paraphrase) واژه‌های زبان منبع‌اند.
- ▶ اطلاعات دستوری: مقولات دستوری از قبیل زمان، نمود و ...

(31) The student-s ask-ed for these book-s.  
DEF.ART student-PL ask-PAST for DEM.PL book-PL  
'The students asked for these books.'

- ▶ خط تیره پیش یا پس از یکی از اطلاعات دستوری یعنی آن عنصر به یک واژه یا عنصر دستوری دیگر متصل است.

## ذیل (3)

▶ وقتی در زبان منبع دو تکواژ در هم ادغام می‌شوند، مرز آنها با نقطه یا دونقطه نشان داده می‌شود.

*took*

'take:PAST' or 'take.PAST'

# مقوله‌های شخص و شمار

- ▶ شخص (person):
  - ▶ اول شخص: گوینده یا گروهی را که گوینده در آن حضور دارد مشخص می‌کند.
  - ▶ دوم شخص: مخاطب یا مخاطبین را مشخص می‌کند.
  - ▶ سوم شخص: شخص ثالث (اعم از یک یا چند تا) را مشخص می‌کند.
- ▶ شمار (number): به تمایز بین مفرد (یک شخص) و غیرمفرد (بیش از یک شخص) می‌پردازد.



# صیغگان

صیغگان (paradigm) جدولی است که صورتهای مرتبط یک واژه قاموسی (lexical word) را در بافت دستوری خاصی به نمایش می‌گذارد.

Table 1.1

Present tense of French *parler* 'to speak'

	Singular	Plural
1st	je parle	nous parlons
2nd	tu parles	vous parlez
3rd	il/elle parle	ils/elles parlent

## دلیل وجودی نحو

▶ زبان‌ها نحو دارند تا بتوانند با استفاده از قواعد آن هر نوع معنایی را که گوینده می‌خواهد، انتقال دهند.

# آرایش سازه‌ای (1)

▶ آرایش سازه‌ای (word order): ترتیب قرار گرفتن سه عنصر اصلی فاعل (S)، فعل (V)، و مفعول (O) در جمله‌های زبان

- (34)
- a. Kim drank the tea.
  - b. \*Kim the tea drank.
  - c. \*Drank Kim the tea.
  - d. \*Drank the tea Kim.
  - e. \*The tea drank Kim.
  - f. The tea Kim drank.



## آرایش سازه‌ای (2)

- ▶ در زبان‌های جهان، سه آرایش سازه‌ای SOV، SVO، و VSO از همه پربسامدترند.
- ▶ به طور کلی، امکان کشف آرایش زبان‌ها وجود دارد ولی انعطاف یا عدم انعطاف آرایش سازه‌ای بنیادین از زبانی به زبان دیگر می‌تواند بسیار متفاوت باشد.
- (34) f. The tea Kim drank.
  - ▶ در مثال بالا، the tea پیش‌بند شده است (fronting) تا کانونی شود (focalization).
  - ▶ پیش‌بندسازی مفعول در انگلیسی بسیار کمیاب و نشاندار (marked) است.
  - ▶ گاهی قرار دادن گروه اسمی کامل در جایگاه اصلی‌اش منجر به بدخوانی جمله می‌شود. در این صورت، گروه اسمی طولانی را می‌شکنیم و قسمتی از آن را به سمت راست انتقال می‌دهیم.
- (36) Estimates \_\_\_ vary greatly **about the number of fluent speakers** (i.e. of *Esperanto*).

## ارتقاء و تنزل

- ▶ تعریف مفعول: عنصری است که معنی فعل را کامل می‌کند و متمم فعل نامیده می‌شود. جایگاه عادی مفعول در انگلیسی بلافاصله بعد از فعل است.
- ▶ ارتقاء (promotion): برجسته‌تر کردن واژه یا گروه نحوی در جمله
- ▶ تنزل (demotion): کاستن از برجستگی واژه یا گروه نحوی در جمله

# جمله‌های معلوم و مجهول (1)

- ▶ جمله‌های معلوم بنیادی‌تر از جمله‌های مجهول‌اند و زودتر فراگرفته می‌شوند.
- ▶ در جمله مجهول،
  - ▶ گروه نحوی مفعول به جایگاهی جدید، یعنی فاعل، ارتقاء می‌یابد،
  - ▶ گروه نحوی‌ای که در جایگاه فاعل بود، تنزل پیدا می‌کند.
- ▶ قرار گرفتن گروه ارتقاء‌یافته در جایگاه فاعل آن را برجسته‌تر و توجه را به آن معطوف می‌کند.
- ▶ گروه‌های تنزل‌یافته در یک گروه حرف اضافه‌ای و خارج از هسته جمله قرار می‌گیرند و حضورشان کاملاً اختیاری است.



## جمله‌های معلوم و مجهول (2)

- (41) The women and boys with crates converged on the boats and **their catch was counted out by the market boss.**
- (42) His normal work was filing girls' teeth to points, although **pointed gnashers were considered a bit old-fashioned by the girls here.**
- (43) The market boss counted out **their catch.**
- (44) The girls here considered **pointed gnashers** a bit old-fashioned.

## جمله‌های معلوم و مجهول (3)

▶ مثال از زبان ژاپنی

- (46) a. Sensei ga John o sikat-ta. (active) (Japanese)  
teacher SUBJECT John OBJECT scold-PAST  
'The teacher scolded John.'
- b. John ga sensei ni sikar-are-ta. (passive)  
John SUBJECT teacher by scold-PASSIVE-PAST  
'John was scolded by the teacher.'

▶ در جمله مجهول، John ارتقاء می‌یابد و نشانگر ga می‌گیرد.

# ساخت‌مندی زبان‌ها

- ▶ همهٔ زبان‌ها ساخت درونی دارند یعنی جمله‌ها تنها رشته‌ای از واژه‌ها نیستند. واژه‌ها ابتدا در قالب گروه‌های نحوی کنار هم قرار می‌گیرند. گروه‌های کوچک‌تر با هم گروه‌های بزرگ‌تر را می‌سازند.
- ▶ قوانین نحو هر زبانی ساخت‌وابسته‌اند (structure dependent). به همین دلیل، در هیچ زبانی دستورالعمل پرسشی کردن جمله، آوردن واژهٔ دوم به ابتدای جمله نیست.
- ▶ به این الگوی گروه درون گروه ساخت پایگانی (hierarchical structure) می‌گویند.
- ▶ جمله‌های درون‌دار (embedded sentences) نمونه‌ای از ساخت پایگانی‌اند. در این نوع از ساختارها، جمله‌ای درون جملهٔ دیگر قرار می‌گیرد. به این ویژگی بازگشت‌پذیری (recursion) می‌گویند.

*I said that Lee thought that Kim couldn't swim*



## مثال دیگر برای ساخت‌مندی

- (48) a. I charged up the battery.  
b. I charged up the street.
- (49) a. I charged the battery up.  
b. \*I charged the street up.
- (50) a. \*It was up the battery I charged (not the engine).  
b. It was up the street I charged (not the corridor).
- (51) a. \*I charged up Lee's battery and (then) up Kim's too.  
b. I charged up Lee's street and (then) up Kim's too.

## مثال دیگر برای ساخت‌مندی (1)

- (48) a. I charged up the battery.  
b. I charged up the street.

▶ رفتار نحوی دو جمله متفاوت است.

- (49) a. I charged the battery up.  
b. \*I charged the street up.

- (50) a. \*It was up the battery I charged (not the engine).  
b. It was up the street I charged (not the corridor).

- (51) a. \*I charged up Lee's battery and (then) up Kim's too.  
b. I charged up Lee's street and (then) up Kim's too.

## مثال دیگر برای ساخت‌مندی (2)

▶ دلیل رفتار متفاوت نحوی آن است که در این دو جمله واژه‌ها به شیوه‌های مختلفی گروه‌بندی می‌شوند.

- (52) a. I [charged up] the battery.  
b. I charged [up the street].